

بررسی تأثیر آزاداندیشی دینی بر تفکر انتقادی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

فرانک موسوی *

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۷/۲۶

بذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۴/۱۴

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف بررسی تأثیر آزاداندیشی دینی بر تفکر انتقادی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه انجام گرفته است. این پژوهش، یک مطالعه تجربی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه مورد مطالعه، کل دانشجویان مقطع کارشناسی رشته مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد کرمانشاه به تعداد ۵۴ نفر در سال ۱۳۹۵ هستند. شرکت‌کنندگان با استفاده از روش تصادفی ساده به دو گروه ۲۷ نفره تقسیم شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه مهارت‌های تفکر انتقادی از فرم ب، آزمون مهارت‌های تفکر انتقادی کالیفرنیا بود که روایی پرسشنامه‌های مذکور توسط استاد راهنما و چند تن از کارشناسان تأیید شد و پایایی پرسشنامه مذکور نیز براساس فرمول 20 کودر ریچاردسون $0/71$ - $0/69$ محاسبه شده است. برای تمام دانشجویان در هر دو گروه، درباره روش انجام مطالعه، توضیحات لازم داده شد و همه آنها پرسشنامه‌ای را به صورت پیش‌آزمون تکمیل کردند. یافته‌های پژوهش، نشان داد که بین عملکرد فراگیران آموزش دیده براساس آموزش آزاداندیشی دینی و طرح رایج، تفاوت معنی‌داری وجود دارد و فراگیرانی که با استفاده از این روش آموزش دیده‌اند، نسبت به فراگیرانی که از طرح رایج آموزش دیده‌اند، موفق‌تر عمل کردند. نتایج حاصل از پژوهش، تأثیرپذیری تمام مؤلفه‌های موردبررسی تفکر انتقادی را از درس مذکور، مورد تأیید قرار داد.

کلیدواژه‌ها: آزاداندیشی دینی؛ تفکر انتقادی؛ دانشجویان

مقدمه و بیان مسئله

آزادی، از موضوعات بسیار مهم و بنیادین در تفکر و فرهنگ اسلامی است. میان تعابیر زیبایی که در متن آموزه‌های دینی اسلام درباره جایگاه بنیادین آثار ارزشمند آزادی نهفته است، به چند نمونه اشاره می‌شود: امیرالمؤمنین (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه می‌فرماید: «و لا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ» و قد جَعَلَكَ اللهُ حُرًّا: خود را برده دیگران مساز در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است. و همچنین در جای دیگری فرموده است: «النَّاسُ كُلُّهُمْ أحرارٌ إِلَّا مَنْ أقرَّ عَلَى نَفْسِهِ بِالْعُبُودِيَّةِ»: تمام مردم، آزاد آفریده شده‌اند، مگر کسانی که از روی اختیار، بردگی را برای خود پذیرفته‌اند (وسائل الشیعه، ج ۳: ۲۴۳). با نگاهی به این دو عبارت کوتاه می‌بینیم که امیرالمؤمنین (ع) در عین آنکه، به آزادی شخصی تمام افراد بشر تصریح می‌کند، این نکته را نیز یادآوری می‌کند که بردگی فردی و اجتماعی افراد و ذلت و ظلم‌پذیری آنها مربوط به خودشان است و در واقع، هر کس، خودش می‌خواهد که این‌گونه باشد یا نباشد. اگر انسان‌ها از خود شجاعت و لیاقت نشان بدهند و به خوبی از حقوق خودشان دفاع کنند، هیچ‌گاه دیگران نمی‌توانند آنها را به بردگی بکشانند و جان، مال و وطن آنها را تصرف کنند. امام علی‌السلام برای بیان اهمیت این نوع آزادی، مردم را به تفکر آزاد دعوت می‌کند و می‌فرماید: «فَإِنَّمَا البصيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ»: به‌درستی که انسان بابصیرت، کسی است که می‌شود و سپس در شنیده‌ها تفکر می‌کند (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲). امام علی‌السلام معتقد است تا آراء و عقاید گوناگون در برابر انسان قرار نگیرد و او به‌طور آزادانه آنها را بررسی نکند، نخواهد توانست نظرات درست را از نادرست تشخیص دهد و یک روشنگر واقعی باشد (جوادی، ۱۳۸۶: ۱). اگرچه همه ابعاد و جلوه‌های آزادی، حائز اهمیت است و آثار و نتایج ارزشمند در جامعه و کشور پدید می‌آورد، لیکن «آزاداندیشی» دارای جایگاهی رفیع‌تر، نقشی مبنایی‌تر و آثار شگرف و عظیم‌تر است. جایگاه خاص و نقش بنیادین و آثار بزرگ آزادی در تفکر یا آزاداندیشی را باید این‌گونه تبیین نمود که میان اقسام آزادی، این نوع آزادی به آن دلیل که با فکر و اندیشه پیوند و ارتباط می‌یابد، موجب زایش و تولد بسیاری از افکار بلند و ژرف و متعالی در جامعه می‌شود. از همین راه است که بسترهای رشد و کمال و پیشرفت گشوده می‌شود و علوم و دانش‌ها در رشته‌ها و تخصص‌های گوناگون به بار و ثمر می‌نشینند و نظرات بدیع و نو به وجود می‌آیند. طبیعی است که «آزاداندیشی» با تمام ارجمندی و ارزشمندی ویژه‌ای که دارد خودبه‌خود و یکباره به وجود

نمی‌آید، بلکه باید برای تحقق دقیق و همه‌جانبه آن تلاش نمود و بدیهی است که این تلاش و کوشایی بیشتر و بیشتر، متوجه نظام حکومتی است و به مراقبت‌ها و تیزهوشی‌ها و فعالیت‌های مفید و پیگیر دولتمردان نیاز دارد. در کنار زمامداران و کارگزاران، حوزه‌های علمیه، فقها و علمای دین برای تحقق این مهم مسئولیت دارند و در مرحله و مرتبه سوم پژوهندگان و نویسندگان در سطح رسانه‌های گروهی، به‌ویژه «مطبوعات» باید متعهد و کوشا شوند تا در نهایت، درخت آزاداندیشی تنومند شده و شاخ‌وبرگ‌های انبوه دهد و میوه‌های الوان و شیرین، به‌بار آورد (روشن، ۱۳۷۵). آزاداندیشی، شعبه‌ای از آزادی است که موهبت خداوند است و رشد ابعاد مختلف در هر جامعه، مستلزم آن است. البته باید بین آزادی واقعی و تلاش‌هایی که مخالفان دینی تحت عنوان آزادی انجام می‌دهند، مرزبندی شود و نباید زمینه را برای انتشار گازه‌های سمی فکری باز گذاشت که این به آزادی و آزاداندیشی ربطی ندارد (فتحی، ۱۳۹۲: ۳۲). آزاداندیشی، در نگرش اسلامی نه تنها مفهومی مذموم نیست، بلکه لازمه رسالت اندیشه اسلامی است؛ همان رسالتی که دفاع از مفاهیم و مبانی ناب دینی را در مقابل هجوم تحریفات و انحرافات فکری هر عصر و زمان اقتضا می‌کند. درواقع، تعصب و جلوگیری از تحلیل‌های نو از مبانی ثابت و جاودانه اسلامی باعث ایجاد نوعی رکود در عرصه اندیشه اسلامی می‌شود که می‌تواند به زوال تدریجی آن بینجامد (جوادی، ۱۳۸۶: ۳). بنابراین، آزاداندیشی، از ویژگی‌های دین اسلام است؛ دلیل روشن این مدعا بیش از ۳۰۰ آیه از قرآن است که با بیانات گوناگون به تعقل و به‌جریان‌انداختن شعور، دستور می‌دهد.

از آنجاکه اسلام، بنیان‌های اصلی نظام فکری خود را بر پایه خردمندی، اندیشه‌ورزی و تعقل بنا می‌نهد. لذا رسیدن به آرمان‌های اسلام اصیل از جمله، آزادی و آزاداندیشی دینی در جایگاه ویژه‌ای قرار داد (پورقراملکی، ۱۳۸۰: ۲۴). سه شاخص مهمی که درباب مفهوم آزاداندیشی دینی با توجه به سخنان استاد مطهری می‌توان به آنها اشاره کرد، عبارتند از:

الف) تعقل یا به‌کارگیری قوه عقل با عقلانیت

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های آزاداندیشی دینی، به‌کارگیری قوه عقل در جریان تفکر است. به‌طوری‌که انسان‌ها یا به گفته قرآن خردمندان، از طریق تعقل، سخنان را به‌دقت دریافت، تجزیه و تحلیل و بهترین آنها را انتخاب و پیروی می‌کنند که این خود عین آزاداندیشی است. اسلام طرفدار تعقل است؛ چنانکه در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره زمر می‌خوانیم: «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادَ» (آیه ۱۷). «الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ

أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (آیه ۱۸): و کسانی که از عبادت و بندگی طاغوت‌ها (و قدرت‌های ضدالهی) دوری نموده و به سوی خدا بازگشتند، بر آنان مژده باد، پس بندگان مرا بشارت ده، آنان که سخن را بادقت می‌شنوند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، آنانند که خداوند هدایتشان نموده و آنان همان خردمندانند. همچنین در آیه ۱۰۰ سوره یونس آمده است: «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ»: درحالی که هیچ کس جز به اذن و اراده الهی توفیق ایمان ندارد و خداوند پلیدی (تردید و کفر) را بر کسانی که نمی‌اندیشند، مقرر می‌دارد.

ب) نبودن سد و مانع در جلوی فکر و اندیشه

یکی دیگر از شاخص‌های آزاداندیشی دینی، نبودن سد و مانع در جلوی اندیشه، این استعداد مقدس انسانی است. از نظر اسلام تفکر، آزاد است، شما هر جور که می‌خواهید بیندیشید، هر طور که می‌خواهید بنویسید، هیچ کس ممانعتی نخواهد کرد (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲۴: ۱۱۴). استاد مطهری، عرصه اندیشیدن را باز می‌گذارد و با توجه به شاخص اول، این آزادی را به شرطی صحیح می‌داند که انسان عقل خودش را به کار گیرد.

ج) تعبد و تقلیدی عمل نکردن

یکی دیگر از شاخص‌های آزاداندیشی دینی، تعبدی و تقلیدی عمل نکردن در جریان دین و عمل به آموزه‌های آن است. منظور این است که انسان در مسیر اندیشیدن، خود را در سلسله زنجیرهای اعتقادی و عرفی و تقلیدی گرفتار نبیند که به دست و پای فکر بشر بسته می‌شود (فتحی، ۱۳۹۲).

استاد مطهری در این رابطه می‌گوید: معتقدات بشر نیز بر یکی از دو پایه باشد: گاهی باید اعتقاد بشر یک تفکر آزاد باشد. انسان با یک عقل و فکر آزاد از روی تأمل عقیده‌ای را برای خود انتخاب می‌کند ولی گاهی عقیده‌ای به بشر تحمیل می‌شود از هر راهی ولو از راه تقلید از آبا و اجداد باشد، در روح او مستقر می‌شود. اولین خاصیت این گونه عقاید این است که جلوی تفکر آزاد انسان را می‌گیرد و به صورت زنجیری برای عقل و فکر درمی‌آید (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲۴: ۳۸۶). انسان آزادفکر، کسی است که افکارش دیکته‌ای نیست؛ چیزی را که می‌فهمد و درک می‌کند، می‌گوید ولو اینکه برخلاف اساس فکر و مکتبش باشد (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱۳: ۳۷۴).

عوامل آزاداندیشی دینی

از جمله عوامل مهمی که به عنوان مبنای و منشأ برای آزاداندیشی دینی می‌توان به آنها اشاره نمود، به دو دسته عوامل بیرونی و درونی تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

عوامل بیرونی

بنیان‌های منطقی دین: با توجه به اینکه انسان تنها با قدرت منطقی و استدلال قوی است که می‌تواند آزادانه اندیشه کند و در مقابل حقایق تسلیم شود، بنیان‌های منطقی دین یکی از عوامل مهم در این زمینه است. استاد مطهری در مبحث اصل پیوستن انسان به کامل‌ترین مکتب آسمانی، یعنی اسلام در رابطه با اهمیت قدرت منطقی و استدلال می‌گوید: دین اسلام، دین تسلیم است. اساسی‌ترین شرط سلامت قلب، تسلیم‌بودن در مقابل حقایق است. تسلیم، سه مرحله دارد: تسلیم تن، تسلیم عقل، تسلیم دل (فتوحی، ۱۳۹۲: ۳۸). در مرحله تسلیم عقل و فکرت‌ها قدرتی که می‌تواند عقل را تحت تسلیم درآورد، قدرت منطقی و استدلال است. در اینجا از زور بازو، کاری ساخته نیست (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۹۰). ایشان حدیثی از پیامبر (ص) این گونه ذکر می‌کنند: «الحمد لله الذی هداک الی هذا الدین الذی یعلو و لا یعلی»: سپاس خدائی را شایسته است که ترا هدایت نمود به سوی این دینی که برتری می‌جوید و مورد چیرگی قرار نمی‌گیرد؛ یعنی دین حق که اسلام حقیقی است، شکست‌ناپذیر است، زیرا تنها سلاح او دلیل و برهان است و تا ظهور امام زمان عجل الله فرجه، شمشیر و معجزه برای تعالی بخشیدن به اسلام به کار گرفته نمی‌شود و اسلام به معنای حقیقی‌اش همان ایمان و درجات ایمان است. چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام آن را معرفی نموده و فرموده‌اند: «انَّسِنَ الْإِسْلَامَ نِسْبَهُ لَمْ يُنْسَبْهُ أَحَدٌ قَبْلِي وَ لَا يُنْسَبُهُ أَحَدٌ بَعْدِي الْإِسْلَامُ هُوَ التَّسْلِيمُ وَ التَّسْلِيمُ هُوَ التَّصَدِيقُ وَ التَّصَدِيقُ هُوَ الْيَقِينُ وَ الْيَقِينُ هُوَ الْأَدَاءُ وَ الْأَدَاءُ هُوَ الْعَمَلُ إِنْ الْمُؤْمِنُ أَخَذَ دِينَهُ عَنْ رَبِّهِ وَ لَمْ يَأْخُذْهُ عَنْ رَأْيِهِ أُيُّهَا النَّاسُ دِينَكُمْ دِينَكُمْ تَمَسَّكُوا بِهِ لَا يُرْبِلْكُمْ أَحَدٌ عَنْهُ لِأَنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ خَيْرٌ مِنَ الْحَسَنَةِ فِي غَيْرِهِ لِأَنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ تُغْفَرُ وَ الْحَسَنَةُ فِي غَيْرِهِ لَا تُقْبَلُ: همانا من چنان اصلی برای اسلام پایه‌گذاری کنم که هیچ کس پیش از من و بعد از من چنین نسبتی نداده باشد. اسلام عبارت است از تسلیم (کردن نهادن)، تسلیم بیانگر تصدیق (پذیرفتن و گواهی کردن) است و تصدیق تفسیر یقین است و یقین بیانگر ادا کردن (انجام کار) است و ادا، تفسیر عمل است. همانا مؤمن، دین خودش را از پروردگارش می‌ستاند و از رأی خود نمی‌گیرد. ای گروه مردم، مواظب دینتان باشید و به آن بچسبید. کسی شما را از آن به‌در نبرد، زیرا گناه در دینداری بهتر از نیکوکاری در بی‌دینی

است؛ چراکه گناه دیندار آمرزیده شود و کار نیک از بی‌دین پذیرفته نشود (یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۸: ۱۰۷). بنابراین، کسی که به ایدئولوژی و مکتب خود ایمان داشته باشد و بر بنیان‌های منطقی استوار باشد، هرگز جلوی آزاداندیشی دینی را نمی‌گیرد، بلکه اندیشه این استعداد مقدس انسانی را آزاد می‌گذارد تا تربیت اسلامی در بستر صحیح خود شکل بگیرد (فتحی، ۱۳۹۲).

نبودن حاکمیت مستبدانه

اسلام آمده است تا عشق و محبت در دل‌ها ایجاد کند. ایمان را نمی‌شود به زور به کسی تحمیل کرد؛ چراکه خداوند خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: فذکر انما انت مذکر، لست علیهم بمصیطر: ای پیغمبر وظیفه تو گفتن و ابلاغ و یادآوری است. تو که مسلط بر این مردم نیستی که بخواهی به زور آنها را مؤمن و مسلمان کنی. این یکی از موضوعاتی است که مردم باید در آن آزاد باشند؛ یعنی امکانی غیر از آزادی ندارند (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲۴: ۳۸۳). بنابراین، یکی از عوامل آزاداندیشی را، عدم تسلط حاکمان جامعه یا سرپرست‌های اجتماعی بر اندیشه و تفکر افراد می‌داند و همچنین با استناد به آیه قرآن یادآور می‌شود که پیامبر و فرستادگان الهی نیز این حق را ندارند. راه تکامل و رشد دینی افراد، آزادی در تفکر است (فتحی، ۱۳۹۲).

عوامل درونی

تربیت ربانی: تربیت ربانی درجات مهمی دارد که در اینجا بنا بر ضرورت دو درجه آن بیان می‌شود که عبارت است از: الف) تسلط بر نفس، ب) مالک مخاطرات نفس بودن. اولین درجه تربیت ربانی و خداوندگاری که در نتیجه عبودیت پیدا می‌شود این است که انسان رب نفس خودش می‌شود؛ دیگر تحت تسلط زبان و شهوت و خشم خود نیست. دومین درجه تربیت ربانی مالک مخاطرات نفس بودن است که یک درجه بالاتر از مرحله اول است؛ در واقع تسلط بر اندیشه‌های پراکنده یعنی تسلط بر نیروی متخیله است. یکی از وظایف بشر تسلط بر هوس‌بازی خیال است و گونه این قوه شیطان‌صفت، مجالی برای تعالی و پیمودن صراط قرب نمی‌دهد و تمام نیروها و استعدادها را در وجود انسان باطل و ضایع می‌گرداند (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۳: ۲۹۹).

تقوا: یکی دیگر از عوامل آزاداندیشی دینی به‌عنوان عامل مؤثر در تربیت اسلامی، تقواست. تقوا از آن‌رو می‌تواند به‌عنوان آزاداندیشی دینی مطرح شود که به‌معنای آزادی از قید رقیت و بندگی هوا و هوس است؛ در نتیجه، به‌معنای کسب آزادی‌های درونی در جهت آسان‌سازی راه آزاداندیشی دینی است. تقوا دشمن عقل را که هوا و هوس است، مهار می‌کند و نمی‌گذارد اثر

عقل را خنثی کند و گرد و غبار که مانع تشخیص صحیح است، برایش به وجود آورد. پس زمانی که انسان بنده و برده چیزی نباشد و آزاد باشد، آزاداندیش می‌شود و در مسیر تربیت اسلامی و در جهت ایجاد اعتدال در زندگی و با قصد رسیدن به اهداف و کمال مطلوب مورد نظر خداوند قرار می‌گیرد.

بنابراین، اسلام کاملاً به اندیشیدن عنایت داشته و در موارد متعدد کاملاً مردم را به تفکر دعوت کرده است؛ به طوری که می‌توان اسلام را طرفدار تفکر و تعقل معرفی نمود (سلطان قرائی و سلیمانی نژاد، ۱۳۸۷). مذهب و اعتقادات، یکی از عواملی است که در مورد تأثیرش بر تفکر انتقادی، مباحث جنجال برانگیزی مطرح شده است؛ زیرا طبق ادعای کلیفورد (۲۰۰۴) چنانچه محققان نشان داده‌اند، دانش و عقاید قبلی فرد، توانایی استدلال وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قرن‌هاست که فلاسفه و صاحب‌نظران علوم تربیتی بر این باورند که انسان برای حفظ و ادامه زندگی خود نیازمند یادگیری و اندیشیدن است. هدف تعلیم و تربیت، یادگیری و مقصد نهایی آن، پرورش قوه استدلال و رشد قوه قضاوت است؛ به طوری که اولویت برنامه‌های آموزشی مراکز تعلیم و تربیت، آموزش مهارت‌های تفکر است. یکی از علل این تکثر نظرات آن است که تفکر انتقادی به عنوان یک مفهوم پیچیده، فرایند ذهنی پیچیده‌ای را شامل می‌شود؛ بنابراین، توصیف و اندازه‌گیری آن به راحتی امکان‌پذیر نیست (واک،^۱ ۲۰۰۹). دلیل دیگر اینکه هر محقق با توجه به فهم فردی و نیازهای پژوهش خویش به تعریف آن پرداخته است (ویلگنز و مک کونل،^۲ ۲۰۰۸). واژه لاتین تفکر انتقادی از لغت یونانی کریتیدوس به معنای سؤال گرفته شده که نمایانگر توانایی تجزیه و تحلیل است. هالپرن، تفکر انتقادی را استفاده صحیح از مهارت‌های شناختی می‌داند که احتمال کسب نتایج مطلوب را افزایش می‌دهد (پاتانیه و آلازی،^۳ ۲۰۰۹). تفکر انتقادی یک فرایند شناختی است که فراگیر در طی آن با بررسی علل، تجزیه و تحلیل اطلاعات در دسترس و نتیجه‌گیری از آنها به قضاوت و تصمیم‌گیری می‌پردازد. به عبارت دیگر، یک فرایند قضاوتی خودتنظیم و هدفمند است که به حل مسئله و تصمیم‌گیری مناسب، منجر می‌شود (هالپرن و همکاران،^۴ ۲۰۰۷). استرن برگ،^۵ تفکر انتقادی را آزمودن راه‌حل‌های پیشنهادی برای مسائل

1 - Vacek

2 - Wilgis, M., & McConnell

3 - Bataineh, O., & Alazzi, F. K

4 - Halpern, D.F., & Roediger, H.L., & Sternberg, R.J

5 - Stenberg

تعریف می‌کند. وی تفکر انتقادی را فرایندی می‌داند که در آن به بررسی و جستجوی دلایل، تحلیل مباحث، تصمیم‌گیری و استنتاج و درنهایت پرداختن به حل مسائل می‌داند (استرن برگ، ۱۹۸۷). تعلیم اسلامی به منظور ایجاد توان فکری و کمک به فهم، به سؤال و مناقشه دانشجویان از استاد توجه داشته و شرم از پرسش را از آفات دانش برشمرده است (سلطان قرائی و سلیمانی‌نژاد، ۱۳۸۷). از نظر نلسون، تفکر انتقادی به مجموعه تلاش‌های سازمان‌یافته، هدفمند و جدی برای فهم دنیای پیرامون اطلاق می‌شود که با ارزیابی دقیق ما از تفکرات خود و تفکرات دیگران به منظور روشن‌سازی و بهبود فهم ما صورت می‌گیرد (نلسون، ۲۰۰۱).

همچنین کربی (۲۰۰۸) معتقد است کل افراد عقیده دارند عقاید خود را حفظ کنند، حتی وقتی با شواهدی علیه آن مواجه می‌شوند. تحقیقات میدانی و تجربی نشان می‌دهد میان تفکر انتقادی و اندیشه‌های دینی، رابطه منفی وجود دارد. این تحقیقات که عموماً در خارج از ایران انجام شده است، در بررسی‌های خود غالباً به این نتیجه رسیده‌اند که افراد با تفکر انتقادی بالاتر، باورهای مذهبی کم‌تری را مورد پذیرش قرار می‌دهند (پنی کوک و دیگران، ۲۰۱۳، رزمیار و ریو، ۲۰۱۳، گرویس و نورزیان، ۲۰۱۳). نتایج پژوهش معطری و همکاران (۱۳۹۴)، مؤید تأثیر بازاندیشی بر استدلال استقرایی دانشجویان و نیز نمره کل آزمون مهارت‌های تفکر انتقادی بود. یافته‌ها تفاوت دانشجویان دو گروه را از نظر کسب مهارت‌های تفکر انتقادی در طول برنامه، مورد تأیید قرار داد. طبق عقیده کربی (۲۰۰۸) این پدیده با مفهوم ثبات عقیده توضیح داده می‌شود. این مطلب اغلب در مورد عقاید فرامادی در ادراک‌های خارج از احساس مادی یا با عقاید مذهبی مربوط به خدا و زندگی پس از مرگ که با شواهد تجربی و آزمایشی حمایت نمی‌شود یا حتی در تضاد است، اتفاق می‌افتد (قدومی‌زاده، فولادچنگ، ۱۳۹۴).

از آنجاکه پرورش مهارت‌های فکری دانشجویان همیشه مسئله پیچیده‌ای در آموزش بوده و امروزه حالت جدی‌تری به خود گرفته است، روش‌های متداول آموزشی از جمله سخنرانی که به‌عنوان روش غالب در نظام آموزش عالی به کار می‌رود، سبب گسترش سبک انفعالی می‌شود که مطابق آن تفکر انتقادی به‌معنای واقعی نادیده گرفته می‌شود. این روش‌های سنتی فارغ‌التحصیلانی با دانش نظری فراوان تحویل جامعه می‌دهند که از حل کوچکترین مسائل جامعه در آینده عاجز می‌باشند. درحقیقت، ترکیبی از اطلاعات و مفاهیم به دانشجویان انتقال داده می‌شود، اما در

تجزیه و تحلیل، اولویت بندی و سازماندهی دانش جدید که لازمه تفکر انتقادی و حل مسأله است، به حال خود واگذاشته می شوند (فاشیک^۱، ۲۰۰۷). لذا این پژوهش بر آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که آیا آزاداندیشی دینی بر تفکر انتقادی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه مؤثر است یا خیر؟ که این سؤال فرضیه اصلی پژوهش را نیز پاسخ می دهد.

روش پژوهش

این پژوهش یک مطالعه تجربی از نوع پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل است. جامعه مورد مطالعه، کل دانشجویان مقطع کارشناسی رشته مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد کرمانشاه به تعداد ۵۴ نفر در سال ۱۳۹۵ هستند. شرکت کنندگان با استفاده از روش تصادفی ساده به دو گروه ۲۷ نفره تقسیم شدند. برای تمام دانشجویان در هر دو گروه درباره روش انجام مطالعه، توضیحات لازم داده شد و همه آنها پرسشنامه‌ای را به صورت پیش آزمون تکمیل کردند. در دانشجویان گروه یک (مورد)، اهداف آزاداندیشی دینی به مدت ۱۰ جلسه در گروه‌ها براساس تفکر انتقادی از نوع نقد مذهب و مسائل مذهبی ارائه داده شد. در گروه دوم (شاهد) آموزش به صورت معمول انجام شد. روش اجرا به این طریق بود که یکی از مباحث مهم کلامی، مسئله «منشأ دین» و «انگیزه پیدایش مذاهب» و در رأس آنها مفهوم «خدا» و در پی آن، کشف علل پیدایش یک سلسله سنن و اعمال و این پرسش در پی کشف چرایی توجه بشر به مفهوم خدا و علت جستجوی اوست. چه عامل و انگیزه‌ای، بشر را به سوی مفاهیم خدا، دین و پرستش سوق داده است؟ به تعبیر دیگر، چه نیازی او را به چنین تفکری واداشته است؟ آیا آن عامل، منطقی و عقلانی است، یا روانی و اجتماعی؟ و اگر عاملی روانی است، ناشی از یک تمایل فطری و ذاتی است یا نوعی عکس العمل روح در برابر برخی از روایدهاست؟ و آیا عوامل اقتصادی یا فلسفی و امثال اینها منشأ پیدایش چنین مفاهیمی اند؟ به تعبیر دیگر، نیازهایی که بشر را به سوی دین کشانده و هنوز هم باقی است، کدامند؟ این نیازها اجتماعی اند یا روانی، تاریخی و اسطوره‌ای اند یا اقتصادی و...؟ که در این پژوهش، این موارد مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. هر کس در گروه براساس فن و آگاهی خود به این پرسش‌ها پاسخ داده و به گونه‌ای خود را قانع کرده است و در روز دهم جلسه، از هر

گروه با استفاده از همان پرسشنامه و تحت شرایط یکسان، امتحان گرفته شد. برای ارزیابی مهارت‌های تفکر انتقادی از فرم ب آزمون مهارت‌های تفکر انتقادی کالیفرنیا استفاده شد که نسبت به سایر ابزارهای سنجش تفکر انتقادی، از جامعیت بیشتری برخوردار است. بخش اول پرسشنامه، شامل اطلاعات دموگرافیک از قبیل سن، جنس، ترم تحصیلی و معدل دیپلم است. بخش دوم پرسشنامه حاوی سؤالات اختصاصی جهت بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی است که شامل ۳۴ سؤال چهار یا پنج گزینه‌ای با یک پاسخ صحیح است. این سؤالات در پنج حیطه استدلال استقرایی (۱۴ سؤال)، استدلال قیاسی (۱۴ سؤال)، تجزیه و تحلیل (۹ سؤال)، ارزشیابی (۱۴ سؤال) و استنباط (۱۶ سؤال) دسته‌بندی شده‌اند. لازم به ذکر است، بعضی از سؤالات برای بیش از یک حیطه مشترک است. روایی محتوایی این آزمون به وسیله "متخصصین ملی در مسائل تفکر انتقادی و یک متفکر ایدئال" صورت گرفته است و پایایی علمی این آزمون با استفاده از فرمول ۲۰ کوردر ریچاردسون ۰/۷۱ - ۰/۶۹ محاسبه شده است. داده‌ها با استفاده از تحلیل کواریانس چندمتغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جدول ۱: نتایج آزمون t مستقل

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	T محاسبه شده
تفکر انتقادی	آزمایش	۲۵	۲۶/۲۷	۴/۱۶	۶۳	۱۰/۸۳
	کنترل	۲۰	۱۸/۱۲	۲/۱۷		

یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱: نتایج آزمون t مستقل مربوط به مقایسه میانگین نمره‌های تفکر انتقادی دانشجویان دو گروه کنترل و آزمایش ۴/۱۶ بود. همچنین یافته‌ها نشان داد که میانگین نمرات تفکر انتقادی دانشجویان در گروه کنترل برابر با ۱۸/۱۲ با انحراف معیار ۲/۱۷ بود. محاسبه اندازه اثر در مورد متغیرهای تفکر انتقادی بعد از به کارگیری آزاداندیشی دینی نشان می‌دهد که میزان تغییر حاصل شده به میزان ۳/۷۰۹ انحراف معیار است. برای آزمون فرضیه اصلی پژوهش از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. برای این آزمون ابتدا داده‌های پرت با نمودار جعبه‌ای مورد بررسی قرار گرفت و داده‌های پرت با میانگین جایگزین شدند. سپس مفروضه‌های بهنجار بودن

(نرمال بودن) توزیع و خطی بودن بررسی شد که در ادامه آمده است. فرض بهنجار بودن توزیع داده‌ها با آزمون کولموگروف - اسمیرنوف مورد آزمون قرار گرفت که در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی وضعیت نرمالیتی داده‌ها

متغیر	کولموگروف اسمیرنوف Z	معنی داری دو دامنه
تجزیه و تحلیل	۰/۷۷۱	۰/۵۹۲
ارزیابی	۰/۷۳۶	۰/۶۵۱
انتقاد	۱/۱۶۸	۰/۰۸۹
استدلال استنتاجی	۱/۲۸۴	۰/۰۷۴
استدلال استقرایی	۰/۸۵۲	۰/۴۹۳

جدول ۳: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس برای مقایسه میانگین پس آزمون مؤلفه‌های تفکر انتقادی دو گروه با کنترل اثر پیش آزمون.

مؤلفه	منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	اندازه اثر	توان آماری
تجزیه و تحلیل	پیش آزمون	٪۲۸	۱	٪۲۸	۳۹/۸۹	٪۰۰۱	٪۷۹	٪۲۱۶
	بین گروهی	۳/۲۷	۱	۳/۲۷				
ارزیابی	پیش آزمون	٪۲۴	۱	٪۲۴	۲۰/۹۷	٪۰۰۱	٪۵۷	٪۱۴۹
	بین گروهی	۲/۱۶	۱	۲/۱۶				
انتقاد	پیش آزمون	٪۰۶	۱	٪۰۶	۲۸/۱۶	٪۰۰۱	٪۵۳	٪۱۱۷
	بین گروهی	۳/۲۷	۱	۳/۲۷				
استدلال استنتاجی	پیش آزمون	٪۸۷	۱	٪۸۷	۱۴/۸۳	٪۰۰۱	٪۴۳	٪۱۵۸
	بین گروهی	۲/۲۳	۱	۲/۲۳				
استدلال استقرایی	پیش آزمون	٪۳۱۲	۱	٪۳۱۲	۲۳/۲۲	٪۰۰۱	٪۶۳	٪۴۹۸
	بین گروهی	۱/۹۸	۱	۱/۹۸				

باتوجه به اطلاعات مندرج در جدول شماره ۳، نتایج حاصل از مقایسه میانگین‌های پس آزمون دو گروه در قالب آزمون تحلیل کوواریانس، باتوجه به سطح معنی داری و مقایسه آن با میزان خطای مجاز ۰/۰۵ می‌توان استدلال کرد گروهی که تحت تأثیر آموزش آزاداندیشی دینی بودند،

نمرات پس آزمونشان در مقایسه با پیش آزمون تغییر پیدا کرده است. براساس این نتایج، فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌شود ($p < 0/001$). یعنی بین دانشجویان دو گروه (آموزش متداول و آموزش آزاداندیشی دینی)، از نظر میزان رشد تفکر انتقادی، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

آزاداندیشی در نگرش اسلامی نه تنها مفهومی مذموم نیست، بلکه لازمه رسالت اندیشه اسلامی است؛ همان رسالتی که دفاع از مفاهیم و مبانی ناب دینی را در مقابل هجوم تحریفات و انحرافات فکری هر عصری و زمانی اقتضا می‌کند. درواقع، تعصب و جلوگیری از تحلیل‌های نو از مبانی ثابت و جاودانه اسلامی باعث ایجاد نوعی رکود در عرصه اندیشه اسلامی می‌شود که می‌تواند به زوال تدریجی آن بینجامد (جوادی، ۱۳۸۶: ۳). بنابراین، آزاداندیشی از ویژگی‌های دین اسلام است. دلیل روشن این ادعا بیش از ۳۰۰ آیه از قرآن است که با بیانات گوناگون به تعقل و جریان‌انداختن شعور، دستور می‌دهد. از آنجاکه اسلام، بنیان‌های اصلی نظام فکری خود را بر پایه خردمندی، اندیشه‌ورزی و تعقل بنا می‌نهد، لذا رسیدن به آرمان‌های اسلام اصیل از جمله آزادی و آزاداندیشی دینی در جایگاه ویژه‌ای قرار داد (پورقراملکی، ۱۳۸۰: ۲۴). بنابراین، اسلام کاملاً به اندیشیدن، عنایت داشته و در موارد متعدد کاملاً مردم را به تفکر دعوت کرده است؛ به طوری که می‌توان اسلام را طرفدار تفکر و تعقل معرفی نمود (سلطان قرانی و سلیمانی نژاد، ۱۳۸۷). این مطالعه با هدف بررسی تأثیر آزاداندیشی دینی بر تفکر انتقادی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه انجام گرفته است. نتایج این پژوهش با یافته‌های فاشیک (۲۰۰۷)، کربی (۲۰۰۸) و کلیفورد (۲۰۰۴) همخوانی دارد. همچنین کربی (۲۰۰۸) معتقد است کل افراد عقیده دارند عقاید خود را حفظ کنند، حتی وقتی با شواهدی علیه آن مواجه می‌شوند. تحقیقات میدانی و تجربی نشان می‌دهد میان تفکر انتقادی و اندیشه‌های دینی، رابطه منفی وجود دارد. این تحقیقات که عموماً در خارج از ایران انجام شده است، در بررسی‌های خود غالباً به این نتیجه رسیده‌اند که افراد با تفکر انتقادی بالاتر، باورهای مذهبی کم‌تری را مورد پذیرش قرار می‌دهند (پنی کوک و دیگران، ۲۰۱۳؛ رزمیار و ریو، ۲۰۱۳؛ گرویس و نورزبان، ۲۰۱۳). نتایج پژوهش معطری و همکاران (۱۳۹۴) مؤید تأثیر بازاندیشی بر استدلال استقرایی دانشجویان و نیز نمره کل آزمون مهارت‌های تفکر

انتقادی بود. یافته‌ها تفاوت دانشجویان دو گروه را از نظر کسب مهارت‌های تفکر انتقادی در طول برنامه، مورد تأیید قرار داد. بنابراین، مذهب و اعتقادات یکی از عواملی است که در مورد تأثیرش بر تفکر انتقادی، مباحث جنجال‌برانگیزی مطرح شده است؛ زیرا طبق ادعای کلیفورد (۲۰۰۴) چنانچه محققان نشان داده‌اند، دانش و عقاید قبلی فرد، توانایی استدلال وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قرن‌هاست که فلاسفه و صاحب‌نظران علوم تربیتی بر این باورند که انسان برای حفظ و ادامه زندگی خود نیازمند یادگیری و اندیشیدن است. هدف تعلیم و تربیت، یادگیری و مقصد نهایی آن، پرورش قوه استدلال و رشد قوه قضاوت است؛ به طوری که اولویت برنامه‌های آموزشی مراکز تعلیم و تربیت، آموزش مهارت‌های تفکر است. یکی از علل این تکرر نظرات آن است که تفکر انتقادی به عنوان یک مفهوم پیچیده، فرایند ذهنی پیچیده‌ای را شامل می‌شود؛ بنابراین، توصیف و اندازه‌گیری آن به راحتی امکان‌پذیر نیست (واک، ۲۰۰۹). دلیل دیگر اینکه، هر محقق باتوجه به فهم فردی و نیازهای پژوهش خویش به تعریف آن پرداخته است (ویلگنز و مک کونل، ۲۰۰۸). تفکر انتقادی به عنوان یک فعالیت مثبت فکری، فرایندی ضروری برای رشد هر جامعه محسوب می‌شود. این تفکر تنها به یادگیری در آموزش عالی محدود نمی‌شود و بر تمام فعالیت‌های زندگی از جمله کار و روابط نیز مؤثر است و به عنوان جنبه مهمی از عملکرد در زندگی مورد توجه قرار گرفته است. التزام به پرورش تفکر انتقادی در دانشگاه امروزه به صورت خواستی فراگیر درآمده است، باین وجود، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این خواست فراگیر، در عمل، به منصف ظهور نرسیده است. یافته‌های پژوهش‌های موجود از این وضعیت حکایت می‌کنند. بنابراین، لازم است کوششی مضاعف برای پرداختن به تفکر انتقادی در نظام آموزش عالی صورت پذیرد. آنچه امروز در گوشه و کنار و گاه‌وبیگاه شاهد وقوع آن هستیم، همان انحراف‌ها و آلودگی‌ها و افراط و تفریط‌هایی است که تحقق اصل محوری و زیربنایی «آزاداندیشی» را با مشکل مواجه کرده و موجب شده است که برخی از افراد و گروه‌ها با جزم‌اندیشی و تنگ‌نظری به دیدگاه‌ها و نظرات ارائه شده توسط اندیشمندان یورش برند و نه تنها به نفی و اعلام مخالفت با آنها پردازند که حتی با تحرکات و موضع‌گیری‌های ضداخلاقی به هتک حرمت صاحبان این تفکرات و دیدگاه‌ها روی آورند و این ضایعه‌ای اسف‌انگیز است که هیچ سنخیت و تطابقی با تعالیم و ارزش‌های اسلامی و سیره و روش پیامبر اکرم (ص)، ائمه اطهار (ع)، مراجع، فقها و علمای اندیشمند و جامع‌نگر ندارد. فراموش نکنیم که تسریع در رفع این مشکل و مانع بزرگ و رنج‌زا، موجب تسهیل در زمینه‌سازی‌های مناسب و

مساعد برای تجلی همه جلوه‌های آزاداندیشی هم در حوزه‌های علمیه و هم در مراکز آموزش عالی و هم میان جریان‌های فکری و جناح‌های سیاسی متعهد و وفادار به اسلام و انقلاب و نظام می‌شود. به‌طور کلی نتایج حاصل از تحقیق، نشانگر تأثیر مثبت و معنی‌دار آزاداندیشی دینی بر تفکر انتقادی دانشجویان بود. بنابراین، لازم است کوششی مضاعف برای پرداختن به تفکر انتقادی در نظام آموزش عالی صورت پذیرد. این پژوهش، همچون سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌های خاصی بود که می‌توان تفاوت‌های فردی و شرایط روانی - عاطفی دانشجویان در زمان پاسخگویی به پرسشنامه را نام برد که قابل کنترل نبود. همچنین از آنجا که پرسشنامه مذکور در حیطه‌های مختلف تفکر انتقادی طراحی شده بود، لذا به‌منظور پاسخ به آن دانشجو می‌باید ابتدا سؤالات را به‌دقت بخواند و به تجزیه و تحلیل آنها بپردازد تا بتواند به سؤالات پاسخ دهد که این ویژگی سبب می‌شد که تکمیل پرسشنامه توسط دانشجو زمان طولانی را ببرد. متأسفانه بسیاری از دانشجویان تمایلی به صرف چنین زمانی برای تکمیل پرسشنامه از خود نشان نمی‌دادند. به‌طور خلاصه بنابر پیشینه‌های نظری و تجربی این مطالعه برای ارتقای وضعیت کمی و کیفی کرسی‌های آزاداندیشی و با توجه به اهمیت آن می‌توان به‌عنوان موضوع مطالعات آتی، پیشنهادهای زیر را مطرح کرد:

- این کرسی‌ها نباید گرفتار سیاست‌زدگی شوند؛ سیاست‌زدگی در همه امور، آفت است و در علم، دانش و فناوری، آفتی مضاعف است؛
- رعایت اخلاق و منطق و پرهیز از هیاهوی ژورنالیستی ازسوی طرف‌های مناظره و گفتگوی آزاد؛
- گسترش احساس امنیت برای کرسی‌های آزاداندیشی و عدم دخالت نهادهای امنیتی در برگزاری کرسی‌ها و در چارچوب هیئت حمایت از کرسی‌ها؛
- حمایت‌های مادی و معنوی برای پژوهشگرانی که دغدغه تولید علم دارند و می‌خواهند کرسی آزاداندیشی خود را به ساحت نظریه برسانند؛
- کرسی‌ها بهتر است از نقد و مناظره و کرسی‌های ترویجی آغاز شود تا به کرسی‌های تخصصی و نظریه‌پردازی منتج شود.

منابع

- پورقراملکی، علی (۱۳۸۰)، نقد و بررسی نظریه آزادی انتخاب دین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- حاتمی، جواد؛ احمدزاده، بتول و فتحی آذر، اسکندر (۱۳۹۱)، دیدگاه استادان دانشگاه درخصوص کاربرد تفکر انتقادی در فرایند تدریس، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۶۹: ۱۱۹ - ۱۰۳.
- جوادی، حسن (۱۳۸۶)، جایگاه رفیع آزادی و نقش محوری آزاداندیشی در تفکرات امام خمینی، آفتاب، شماره ۱۹.
- غنیمه، عبدالرحمان (۱۳۶۴)، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نوراله کسائی، انتشارات یزدانی.
- سلطان قرائی، خلیل و سلیمان‌نژاد، اکبر (۱۳۸۷)، تفکر انتقادی و ضرورت آموزش آن در کلاس درس، دوفصلنامه تربیت اسلامی، سال ۳، شماره ۶: ۱۹۵ - ۱۸۱.
- روشن، امیر (۱۳۷۵)، آزادی و واکنش دو اندیشه‌گر احیای تفکر دینی در ایران معاصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- فتحی، زهرا (۱۳۹۲)، آزاداندیشی در تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۱، شماره ۱۹: ۵۳ - ۳۱.
- قدومی‌زاده، فاطمه و فولادچنگ، محبوبه (۱۳۹۴)، بررسی ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی و تفکر انتقادی دانشجویان، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال ۱۹، شماره ۳: ۴۲۰ - ۴۰۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، ده گفتار، تهران: انتشارات صدرا.
- معطری، مرضیه؛ عابدی، حیدرعلی؛ امینی، ابوالقاسم و فتحی آذر، اسکندر (۱۳۸۰)، تأثیر بازاندیشی بر مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری شهرستان تبریز، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ج ۱، شماره ۴: ۵۸ - ۶۴.
- موسوی اصل، سیده‌عاطفه (۱۳۹۰)، مطالبات رهبر انقلاب اسلامی درباره کرسی‌های آزاداندیشی، سایت متعلق به اداره کل امور فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: ۳ - ۱.
- Vacek, E. J. (2009). Using a conceptual approach with concept mapping to promote critical thinking. MSN, RN. vol. 48, No.1. Education innovation.
- Wilgis, M., & McConnell, J. (2008). Concept mapping: an educational strategy to improve graduate nurses critical thinking skills during a hospital orientation program. The journal of continuing education in nursing. VO 139. No3.
- Bataineh, O., & Alazzi, F. K. (2009). Perceptions of Jordanian secondary schools teachers towards critical thinking, International education. 38 (2), Pg.56. ProQuest ducation Journals.
- Halpern, D.F., & Roediger, H.L., & Sternberg, R.J. (2007). the nature and nurture of critical thinking. Critical thinking in psychology (pp.1-14). Cambridge, Ny: Cambridge university press.
- Fasick, L. (2007). Using Shakespeare's plays to teach critical thinking and writing skills: teaching English in the tow year college. 35(2), pg.197. proquest education journals.

- Rescaled, X. D. (2008). Teachers educational technology practices: Understanding teachers critical thinking skills and teachers cognitivedemand practices in the classroom. (Doctoral dissertation). Northern Illinois University.
- Nelson, T. O (2001), Meaning of critical thinking. Critical thinking and Education. Cambridge university press.
- Stenberg (1978), On Improving throgh instruction. Educational leadership. V.43 , 44-58.
- Fugelsang, Jonathan A (2013), Cognitive style and religiosity: The role of conflict detection, Psychonomic Society, Inc. ,No 123 , pp: 335-346.
- Razmyar, Soroush, L. Reeve, Charlie (2013), Individual differences in religiosity as a function of cognitive ability and cognitive style. Intelligence, No 41, September ,pp: 667-673.
- Gervais, william & Norenzayan, Ara (2012), Analytic Thinking Promotes Religious Disbelief, Science, pp336-493: from www.sciencemag.org.
- Clifford, J.S.; M.M. Boufal & J.E. Kurtz (2004). "Personality Traits and Critical Thinking Skill in College Student. Empirical Tests of a two Factor Theory". Assessment, 11(2): 169-176.

